فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۸ - ۲۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۲

نظریه نقش و رقابت ایران و ترکیه در خاورمیانه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه

سید امیر نیاکویی [۱]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)
دانیال رضاپور [۲]
دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان
سامان فاضلی [۳]
دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

ایران و ترکیه از دوران آتاتورک و تاسیس ترکیه علی رغم وجود رقابت و تنش‌های مقطعی روابط خوبی داشته اند. حتی با وجود انقلاب اسلامی و روی کار آمدن دولتی دینی روابط ایران با دولت لائیک ترکیه در یک سطح معتدلی حفظ شد. انتظار می رفت که با قدرت گیری اسلام گرایان در ترکیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی روابط ایران اسلامی با ترکیه بهتر از پیش نیز شود. اما در سال‌های اخیر به ویژه پس از بیداری اسلامی تنش‌هایی بین ایران و ترکیه به وجود آمد که در نوع خود بی سابقه بود. سوالی که این پژوهش در پی پاسخ گویی به آن است این می باشد که علت اصلی افزایش رقابت‌ها و تنش‌ها بین ایران و ترکیه در ۱۵ سال گذشته چیست؟ در پاسخ و با استفاده از نظریه نقش گفته می شود که دو کشور ایران و ترکیه بر اساس منابع هویتی، تاریخی، ایدئولوژیکی و جغرافیایی، نقش خود در سیاست خارجی را در منطقه خاورمیانه به گونه‌ای تعریف کرده اند که موجب رقابت و تقابل دو کشور می‌شود. ادارک تصمیم گیران ایران و ترکیه از نقش خود در منطقه این است که می‌باید نقش‌هایی همچون «حمایت از مستضعفین»، «میانجی»، «مدل» و مانند آن را ایفا کنند که در بهترین حالت باعث رقابت و در بدترین حالت باعث تقابل دو طرف می‌شود. در این راستا سه نقش «رهبری»، «دفاع از اسلام» و «الگو» تنش‌های بیشتری را به وجود آورده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکیه، خاورمیانه، اسلام محوری، نظریه نقش

1. niakoee@gmail.com
2. danyalrezapoor@gmail.com
3. samanfazeli43@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

مقدمه

ایران و ترکیه موقعیت خاص ژئوپلیتیکی در منطقه دارند. ترکیه با سابقه تاریخی امپراطوری عثمانی و ایران با حکومت بر گستره وسیعی از سرزمین‌های پیرامونی خود، دوره ای از رقابت‌های سرزمینی و سیاسی را پشت سر گذاشته اند و وارد دور جدیدی از رقابت‌ها شده‌اند (کولائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). هر دو کشور، میراث دار امپراطوری‌های هژمونیک تاریخی هستند که همواره در طول هم در حال رقابت و درگیری هستند(غائبی، ۱۳۹۵: ۳). و لذا ماهیت روابط دو کشور را نمی توان به طور مجزا از سیاست‌های هریک در محیط پیرامونی‌شان مورد تحلیل قرار داد.

الگوی روابط ایران و ترکیه را می توان در همکاری اقتصادی و رقابت سیاسی خلاصه کرد. دو طرف در حوزه روابط دو جانبه در حوزه های اقتصادی و امنیتی منافع مشترک زیادی دارند. از سوی دیگر در بین ١٦ کشور خاورمیانه ایران و ترکیه جزء قوی ترین و دمکراتیک ترین کشورها هستند. این مسئله به طور طبیعی این دو را تبدیل به رقبای منطقه‌ای کرده است. اما صرف قوی تر بودن، تنها باعث رقابت‌های ژئوپلیتیک نمی شود. این مسئله با رقابت ایدئولوژیک برای تبدیل شدن به رهبر منطقه که با واژه هایی همچون «رهبر جهان اسلام»، «نگهبان منطقه»، «ام القری» و مانند آن همراه شده است. به عبارت دیگر رقابت ژئوپلیتیک برای قدرت اول بودن همراه شده است با رقابت ایدئولوژیک برای رهبر شدن. از سوی دیگر ایران و ترکیه از سال‌ها پیش از وقوع تحولات و انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه داعیه دار مدل بودن در منطقه را داشتند. پس از انقلاب اسلامی، با اضافه شدن ویژگی‌های انقلابی و اسلامی به ایران، تلاش برای تاثیر گذاری و ارائه الگو برای کشورهای خاورمیانه بیشتر شد و در سمت ترکیه نیز، رهبران حزب عدالت و توسعه به باز تعریف اهداف و منافع و نقش این کشور در منطقه پرداختند به نحوی که بر وزنه اسلامی بودن ترکیه اضافه شد. نتیجه آن شد که دو کشور ایران و ترکیه هر دو خواهان تاثیر گذاری بر سیر تحولات منطقه و نیز قابلیت سرمشق و الگو شدن را برای آینده کشورهای منطقه را مدعی باشند.

این مسئله منجر به بروز «تعارضات نقشی» بین دو کشور شده است. البته به کار گیری نظریه نقش برای رقابت ایران و ترکیه به معنای غفلت از تاثیر گذاری متغیرهای دیگر نیست بلکه به این معنا است که تاثیر گذاری همه این متغیرها و تبدیل شدن آن ها به اقدامات و کنش

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

ها از طریق نقش هایی می گذرد که رهبران و تصمیم گیران مفصل بندی می کنند. بنابراین مسئله مذکور حاکی از این است که ایران و ترکیه نقش‌هایی را برای خود در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قائل هستند که با یکدیگر تعارض دارد. به عبارت دیگر صرف داشتن منابع مختلف قدرت باعث رقابت‌های هژمونی طلبانه ببین ایران و ترکیه نشده است بلکه ترجمه ایدئولوژیک این منابع قدرت به نقش-های متعارض علت اصلی رقابت بین این دو شده است. با توجه به مباحث فوق، سوالی که این پژوهش در پی پاسخ گویی به آن است این می باشد که علت اصلی تنش های بین ایران و ترکیه در هفت سال گذشته چیست؟ در پاسخ و با استفاده از نظریه نقش فرضیه این پژوهش این گونه است که دو کشور ایران و ترکیه بر اساس منابع هویتی، تاریخی و جغرافیایی، نقش خود در سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه را به گونه‌ای تعریف کرده اند که می بایست رهبر و الگوی کشورهای منطقه در تحولات آینده تلقی شوند. در یک سو یک اسلام سکولار میانه رو و در سوی دیگر اسلام انقلابی ضد استکبار قرار دارد. در پیشینه پژوهش با وجود مقالات پرتعداد در این زمینه سه مقاله مرتبط با این پژوهش وجود دارد. اولین مقاله «از همسایه خوب تا مدل: نقش های متغیر ترکیه در خاور میانه پس از بهار عربی» است که نویسندگان بر مبنای نظریه نقش معتقد اند پس از بیداری اسلامی ترکیه تلاش کرده است تا نقش ملی خود را در منطقه افزایش دهد (Ozdamar and others, 2014). مقاله دیگر «تاثیر انقلاب های عربی بر سیاستگذاری خارجی ترکیه (بر مبنای نظریه نقش)» است که متاسفانه این مقاله تا حدودی مثل مقاله پیشین می باشد چرا که به نام مقاله تالیفی ترجمه کامل و تحت اللفظی از مقاله انگلیسی پیشین است[1] (ابراهیمی فر یعقوبی فر و ، ۱۳۹۵). مقاله دیگر، مقاله اولاوی با عنوان «رمزگشایی از حرص ترکیه برای نفوذ منطقه: بر مبنای چشم انداز نظریه نقش» است. وی با مفرض قرار دادن فعال تر شدن ترکیه در خاورمیانه در سال‌های اخیر و با ریشه یابی آن در نظرات نخبگان اسلام گرای حاکم معتقد است نقش‌های جدید تعریف شده از جانب رهبران ترکیه به گونه‌ای مفصل بندی شده است

۱. مقایسه کنید:
Özgür Özdamar, B. Toygar Halistoprak and İ. Erkam Sula (2014) « From Good Neighbor to Model: Turkey's Changing Roles in the Middle East in the Aftermath of the Arab Spring», International Relations, Volume 11, No. 42
ابراهیمی فر، طاهره و یعقوبی فر حامد (۱۳۹۵) « تاثیر انقلاب های عربی بر سیاستگذاری خارجی ترکیه (بر مبنای نظریه نقش)»، پژوهش های روابط بین الملل، دوره شش، شماره ۱۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

که مستلزم تاثیرگذاری بیشتر در امور منطقه است (Ovali, 2013). همچین نوشته ها و پایان نامه های دیگری نیز به زبان انگلیسی وجود دارد که نکته بدیعی افزون بر دو مقاله پیشین ندارد. دو کاستی که ضرورت این مقاله را موجب می شود عدم کاربرد نظریه نقش برای سیاست خارجی ایران و نیز عدم بررسی تنش‌های ایران و ترکیه بر مبنای نظریه نقش است.

۱. چارچوب نظری؛ نظریه نقش

نظریه نقش یک چارچوب فکری با سابقه‌ای برای فهم سیاست خارجی است که بر استدلالات نخبگان، فهم آن‌ها از سیستم بین الملل و نقش ادراکی از جایگاه دولت‌های خودشان در سیستم بین الملل تاکید دارد. این چارچوب با وجود قوت مفهومی، گشودگی روش شناسانه و قابلیت‌های کاربردی تجربی غنی از جانب جریان اصلی مورد غفلت واقع شده بود اما طی سال های اخیر دوباره مورد توجه پژوهش‌گران واقع شده است. نظریه نقش در روابط بین الملل اولین بار به وسیله هالستی در سال ۱۹۷۰ در مقاله ای تحت عنوان «مفاهیم نقش ملی در مطالعه سیاست خارجی» مطرح شد. هالستی در دوران رونق تحلیل‌های ساختارگرایانه از سیاست خارجی قصد داشت که دوباره بر منابع داخلی سیاست خارجی تمرکز نماید. هالستی مفهوم نقش ملی را «تعریف تصمیم گیرندگان از انواع تصمیمات، تعهدات، جهت گیری‌ها و اقدامات مناسب کشورشان که می بایست در برخورد با نظام بین الملل و نظام فرعی منطقه ای دنبال شود» تعریف می کند. «..(Benes, 2011). در واقع «نقش» نقطه کلیدی شروع تبیین است، چرا که محدودیت‌ها و امکانات فعالیت را تعیین می کند و لکن نقش نوع عمل را «دیکته» نمی کند و نقش از دریچه برداشت و «استدلال» کنش‌گر به عمل ترجمه می شد. در واقع این جاست که مزیت‌های نظریه نقش بر الگوی سیاست بروکراتیک قابل تشخیص است. هالیس و اسمیت در ذیل نظریه نقش مفهوم تحلیلی«شخصیت» را پیشنهاد می کنند. چرا که شخصیت می تواند فاصله بین جایگاه و عمل را پر کند به این دلیل که شخصیت سازنده ادراکات و تصمیمات، تصمیم گیرنده است. به عنوان مثال یک شخصیت «جنگ طلب» در مواجهه با بحران‌ها، بدیل‌های غیر خشونت آمیز کمتری را می بیند (Hollis and smith. 1986: ۲۷۵ –۲۷۶). لذا در نظریه نقش توجه ویژه ای بر بیانات رهبران کشورها می شود. در این پژوهش نیز بر نقل قول‌های متعددی از رهبران ایران و ترکیه برای نشانت دادن طرز تلقی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

آنان از نقش کشورهایشان آورده می‌شود.

در این نظریه دنیای دولت‌ها به مثابه تئاتری دیده می شود که بازیگرانش نقش هایی از قبیل «پشتیبان آزادی»، «حافظ صلح»، «ضد امپریالیست»، «ام القرا» مانند آن‌ها را بر عهده دارند. یکی از مفاهیم جالب توجهی که در سال های بعد به منظور توسعه نظریه نقش به کار رفت «تعارضات نقش» است که در این شرایط یک بازیگر مجبور می–شود نقش‌های ناسازگاری را اجرا کند. در مجموع نقش‌های مختلف در چارچوب و شرایط مختلف تحقق می پذیرد و این منابع و شرایط از مولفه‌هایی همچون فرهنگ، تاریخ، قوانین و نهادهای داخلی، ارزش‌های ملی، شخصیت، توانایی ها، امکانات، موقعیت، ایدئولوژی، احتیاجات و تقاضاهای داخلی و یا شرایط خارجی ناشی از محیط بین المللی همانند تعهدات معاهداتی و یا ساختار نظام بین الملل (Sekhri, 2009: 424, 425). پس هالستی به طور اجمال چهار مفهوم را مطرح می کند (۱) «اجرای نقش» که شامل گرایشات، تصمیمات و اقدامات یک حکومت می شود، (۲) «مفهوم نقش ملی» که نوع تعریف بازیگران از خودشان است، (۳) «تجویزات نقشی» تجویزات نقشی هنجارها و انتظارات بیناذهنی هستند که به ساختار اجتماعی نظام بین الملل شکل می بخشند و بالتبع بسیاری از این تجویزات از پیش موجود و ساخته شده به وسیله دیگر بازیگران است و (٤) «موقعیت» که به معنای کل نظام تجهیزات نقش است (Holsti, 1970: 235- 236).

در نظریه نقش یکی از مناقشات پایدار بر سر این بوده است که آیا یک کشور دارای یک نقش و یا سلسله مراتبی از نقش‌های منسجم و مشخص است یا اینکه در مقابل یک کشور «گنجینه ای از نقش‌ها و هویت‌هاست که قواعد مناسب رفتار را در وضعیت‌های مختلف مشخص می کند.» به نظر می رسد که می بایست برای گریز از این بن بست راه حل میانه‌ای را در نظر گرفت که آن «تعمیم‌های موردی» است. به این وسیله می توان از یک سو از تعمیم‌های تحمیلی متافیزیکی غیر واقعی نقش‌ها به دولت‌ها خود داری کرد و از سوی دیگر قدرت تبیینی نظریه نقش را نیز حفظ کرد به این معنا که اگر گفته شد هریک از کشور ها و تصمیم گیرندگان به فراخور شرایط خاص برای منافع امنیتی یا اقتصادی یا ایدئولوژیک و امثال آن‌ها اولویت قایل اند و نباید آن ها را به کشورهای «امنیت محور» و یا «تاجر» تقسیم بندی کرد، تفاوت‌های رفتاری و عینی تصمیم گیرندگان و کشورها را در عرصه سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

خارجی نادیده گرفته ایم و عملا به دام یک نسبیتی گرفتار شده ایم که نمی توانیم رفتارهای متفاوت کشورها را تبیین کنیم. (Benes, 2011).

یکی از نکات مهم نظریه نقش که مناسب این پژوهش است مسئله «تعارضات نقشی» است. این مسئله هم برای نقش‌های متفات یک بازیگر و هم دو یا چند بازیگر قابل استفاده است. به عنوان مثال مجموعه نقش‌هایی که یک فرد یه عنوان یک مرد، کارمند، شوهر، دوست، شیعه و اصولگرا انجام می دهد باید در یک هماهنگی و تناسب نسبی باشد وگرنه فرد دچار تناقض می شود. نقش مجموع افراد در جامعه نیز باید همین حالت را داشته باشد. نقش‌های مختلفی که یک دولت ایفا می کند نیز باید در هماهنگی باشد. همچنین در روابط بین دولت‌ها نیز اگر تعریف و ایفای نقش های به گونه ای باشد که هماهنگ با یکدیگر باشد منازعات کم می شود اما در صورت تعریف و ایفای نقش‌های متعارض مناقشات بیشتر می شود. به عنوان مثال به نظر می رسد که نقشی را که آمریکا به عنوان «هژمون» یا ابر قدرت برای خود تعریف کرده است مورد قبول کامل اروپا، قبول نسبی چین، مخالفت روسیه و مخالفت شدید ایران قرار دارد. این مسئله مبنای نظری مقاله حاضر است. به عنوان مثال وقتی که هر دو بازیگر درصدد ایفا کردن نقش «رهبر جهان اسلام» (البته ایران با تصریح بیشتر و ترکیه با تصریح کمتر) هستند به طور طبیعی بین این اختلاف به وجود می آید.

۲. نقش ترکیه در خاورمیانه

ترکیه در سال‌های اخیر هدف خود را در خاورمیانه از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به قدرت مرکزی و الگو را در دستور کار خویش قرار دهد و از تمام موقعیت‌هایی که در منطقه فراهم است در جهت رسیدن به این هدف استفاده کند(مسعود نیا، ۱۳۹۲: ۹٤). اوغلو استدلال می کرد که ترکیه نباید خود را محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه کند، زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه ای؛ و بایستی نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند(اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵: ٤). وی با انتقاد از کمالیست‌ها برآن بود که ترکیه را برای مدت ۷۰ سال از ایفای نقش صحیح در پاسخ به تحولات در محیط پیرامونی اش باز داشته بود. بر مبنای نظریات اغلو ترکیه نقش خود در منطقه خاورمیانه را بازتعریف

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

کرد. این میزان کنشگری[1] که از طرف ترکیه در خاورمیانه در ۱۰ سال گذشته دیده می شود در طول تاریخ ترکیه کاملا بی سابقه بوده است. حجم کل تجارت خارجی ترکیه با اتحادیه اروپا از ٪۵۶ در سال ۱۹۹۶به ٪۴۴ در سال ۲۰۰۸ سقوط نمود، در قابل در این بازه زمانی ترکیه با خاورمیانه از ٪۹ به ٪۱۹ افزایش یافته است. (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

اما در سیاست خارجی جدید که تاسپینار از آن به عنوان نئو عثمانیسم یاد می کند ترکیه در صدد استفاده از قدرت نرم و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سرزمین‌های سابق امپراطور عثمانی است(Taspinar, 2012: 127-140). بنابراین خاورمیانه برای ترکیه بهترین زمینه اجرای سیاست های کلانش بود. تعریف نو عثمانی گرایی در قالب مدلی کلان و الگویی پیشرو، بیش از هر چیز برای کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا دارای اهمیت بود. ترک ها بر آن بودند در این منطقه حیاتی در قالب هژمونی فرهنگی خویش به مجرای حل و فصل مسائل و چالش ها تبدیل شده و با ارائه راه حل، خود را به عنوان الگوی جایگزین و پیشرو مطرح کنند. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲).

یکی از نقش هایی که ترکیه در خاورمیانه برای خود قائل است «رهبر منطقه» می باشد. هالستی در تعریف رهبر منطقه می گوید که این مفهوم به معنای خودادراکی حکومت از نقش رهبری‌اش می باشد که مستلزم وظایف و مسئولیت‌های خاصی در یک منطقه جغرافیایی معین می باشد. میراث عثمانی به عنوان «حافظ نواحی مقدسه» در این نقش پیداست چنانکه اردوغان می گوید: «نمی توانیم به فلسطین و غزه پشت کنیم. از ما می پرسند ترکیه در فلسطین چکار می کند؟ دلیل اینکه ترکیه به مسئله فلسطین علاقه مند شده است چیست؟... آن ها آگاه نیستند از مسئولیتی که ما باید انجام دهیم این مسئولیت را تاریخ ترکیه و اراده مردم ترکیه به ما داده است.». (Ovali, 2013: 6-7)

دومین نقش، «نقش حامی منطقه» می باشد. چرا که به طور طبیعی رهبر یک منطقه باید از منطقه خود حفاظت بکند. و به گفته سلیک معاون سابق رئیس جمهور در راستای حمایت از منطقه است که ترکیه درصدد دفاع از فلسطین برآمده است. نقش چهارم «نقش پل» می باشد که همانند یک «مترجم» یا رساننده پیام ها و اطلاعات بین مردمان فرهنگ‌های متفاوت» است. اردوغان در بنیاد اتحاد تمدن‌ها بیان کرد: «استانبول اروپا و آسیا را دور هم جمع می کند.

1. activism

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

استانبول چهارراه اروپا، آسیا و آفریقا است. استانبول محل آمیزش فرهنگ ها، تمدن ها، نژادها، مذاهب و زبان‌ها می باشد و جایگاه شایسته ای در این زمینه در جهان دارد». «نقش حافظ اسلام» است که ترکیه را این اجازه را برای خود قائل می شود تا به نمایندگی از فلسطینی ها صحبت کند. مثلا اردوغان در بیاناتی که حاکی از ایفای نقش‌های مذکور می باشد در مورد عضویت در اتحادیه اروپا بیان کرد که «آینده ترکیه وابسته به اتحادیه اروپا نیست اما آینده مسیحیت و اسلام چرا». نقش پنجم ترکیه «نقش میانجی» است. بنا بر تعریف هالستی نقش میانجی به معنای «انجام یک سری اقدامات خاص آشتی دادن دولت‌ها در منازعات می باشد». میانجیگری در مسائل هسته ای ایران، تلاش برای ایجاد صلح بین سوریه و اسرائیل تا سال ۲۰۱۰، تلاش برای میانجیگری بین روسیه و گرجستان و ... (Ovali, 2013: 7-10).

آخرین نقش، نقش الگو یا مدل است که به معنای عرضه دستاوردهای اقتصادی و سیاسی کشور به عنوان مدلی که می بایست به وسیله دیگران تقلید شود، می باشد. البته بعضی از نخبگان حزب عدالت و توسعه برای پرهیز از متهم شدن به اهداف استعماری به جای مدل، «منبع الهام» را به کار می برند. دو مبنای جذابیت مدل ترکیه رشد معجزه آسای اقتصادی و دمکراسی این کشور است به گونه ای که برنارد لوئیس آن را تنها کشور واقعا دمکراتیک در بین ۵۳ کشور اسلامی می نامد (لوئیس، ۱۳۸۶: ۱۳۲). اصطلاح «مدل ترکی» پس از جنگ سرد و از سوی رسانه های غربی برای مقابله با «مدل ایران» مطرح شد. برای اولین بار مدل ترکی از سال ۱۹۹۲ به ادبیات دیپلماتیک راه یافت زمانی که وزیر خارجه آمریکا جیمز بیکر با سفر به کشورهای استقلال یافته از شوروی به آن ها مشورت داد که به ترکیه به عنوان یک مدل توسعه بنگرند. در سفر دمیرل نخست وزیر سابق ترکیه به واشنگتن، جرج بوش پدر بیان داشت که: «ترکیه ... یک مدل برای دیگران است به ویژه جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی؛ و من ترکیه را به عنوان یک مدل برای کل منطقه می بینم ... ترکیه جزیره ثبات است و از جانب بسیاری به دلیل دستاورد هایش و آنچه که از طریق دفاع از دموکراسی و بازار آزاد کسب کرده است به عنوان یک نمونه دیده می شود.» (Dal and Ersen: 2014: 264).. هیلاری کلینتون نیز در این زمینه گفته بود که «مردم خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه در پی فرا گیری درس‌هایی از تجربه ترکیه هستند. این مسئله‌ای حیاتی است که آن ها درس های را یاد بگیرند که ترکیه یاد گرفته است». (Dal and Ersen, 2014: 269) البته در دوران

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

حزب عدالت و توسعه نیز نقش الگو بودن همچنان ادامه یافته است هر چند که سبقه دینی آن افزایش پیدا کرده است.

۳. نقش جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

اصولاً پیدا کردن نقش‌هایی که ایران برای خود قائل است نسبت به ترکیه و شاید بسیاری از کشورهای دیگر ساده تر باشد. چرا که کشورهای دیگر برای پرهیز از هزینه زایی و برانگیختن تقابل دیگران نقش و اهداف (به ویژه بلند مدت خود) را بیان نمی‌کنند. اما جمهوری اسلامی ایران با صداقت، تمام اهداف بلند مدت خود را در قوانین بالادستی و هچنین بیانات رهبران خود بیان کرده است. با انقلاب اسلامی و تغییر انقلابی سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران مجموعه نقش‌هایی همچون «سنگر انقلاب»، «دولت رهایی بخش»، «دولت عادل»، «حامی جنبش‌های آزادی‌بخش»، «مدافع مسلمانان»، «دولت استکبارستیز» برای خود قائل شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). یکی از نقش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای خود خود قائل است «الهام بخشی» می باشد که به معنای تاثیر گذاری نرم خود در منطقه است. الهام بخشی در سند چشم انداز بیست ساله نیز آمده است که هدف ایران تبدیل شدن به «الهام بخش در جهان اسلام» می باشد (رحمانی، ۱۳۹۳: ٤٨٤).

نقش دیگری که ایران برای خود قائل است صدور انقلاب به منطقه از طریق تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی می باشد می باشد. صدور انقلاب بر اساس اصل دعوت یک مرحله جلوتر از الهام بخشی است و مخاطب آن در وهله اول کشورهای مسلمان منطقه است. بر این مبنا از آنجا که کشورهای منطقه اشتراکات زیادی با ایران دارند می توانند با برانداختن حکام مستبد وابسته به آمریکا با ایجاد دولتی مشابه جمهوری اسلامی ایران به رهایی و سعادت برسند. لذا وقوع انقلاب اسلامی پایان آن نیست بلکه نقطه شروع آن است و این انقلاب به دلیل ماهیت فراملی خود می‌تواند خود را در در کشورهای دیگر بازتولید کند. البته به نظر می رسد هدف طولانی مدت، صادر کردن انقلاب به کل جهان می باشد چنان‌که امام خمینی(ره) می فرمایند «ما باید اسلام را به پیش ببریم و و در همه جای دنیا انشاالله اسلام را صادر کنیم» و نهضت اسلامی «نمی تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی (صحیفه امام خمینی، جلد ۱۰: ٤٤٦)». ولی در جای دیگر می فرمایند «ما می خواهیم انقلابمان را انقلاب فرهنگی مان را

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر بکنیم» (صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳: ۹۰). و تاکید بر ممالک اسلامی است. و جمع بین این دو سخن به نظر می رسد این گونه است که صدور به ممالک اسلامی و «انقلاب بزرگ جهان اسلام» فوری تر از صدور انقلاب به کل جهان می باشد. به طور خلاصه هدف ایفا کردن نقش «سنگر انقلاب» می‌باشد.

نقش «ام القرای» جهان اسلام نقش دیگری است که به تدریج با چهره نمودن مشکلات داخلی اقتصادی و موانع منطقه‌ای و بین المللی برای صدور انقلاب مطرح شد که در واقع جایگزینی «اسلام در یک کشور» از دهه دوم انقلاب به جای صدرر انقلاب در دهه اول انقلاب می باشد. در این نظریه که مورد توافق تصمیم گیرندگان جمهوری اسلامی ایران پس از رحلت امام قرار گرفت ایران «مادر سرزمین‌های اسلامی» تلقی می شود که می‌تواند مرکزی برای جنبش‌های انقلابی شود (ازغندی، ۱۳۸۱، ۳٤). رهبر انقلاب در این رابطه می فرمایند مستکبرین در راستای تضعیف ایران بسیار تلاش می کنند چرا که در صورت تداوم جمهوری اسلامی ایران «مسلمانان به پایگاه و مرکز و کانون و امّ‌القرای اسلام – یعنی ایران اسلامی – متوجه خواهند شد» (۱۳٦۸/۰۷/۱۹). «استکبار ستیزی» از دیگر نقش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای خود قائل است. هرچند که به نظر می رسد ایفاگری این نقش بیشتر مربوط به سطح بین المللی باشد اما در واقع مبارزه با استکبار بر اساس نفی سبیل و ممانعت از تسلط کفار بر مسلمین می باشد. از این رو لازم است تمام کشورها و ملت های مسلمان با همراهی نظام جمهوری اسلامی عزم خود را جزم کن «تا دندان‌های آمریکا را در دهانش خرد نمایند» (ازغندی، ۱۳۹۱: ۵۷). نقش ایران در توحید و به وحدت رساندن جهان اسلام و ایجاد امت واحده اسلامی از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی ایران از محورهای مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. امام خمینی در خصوص وحدت جهان اسلام می فرماید «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است؛ اتحاد ممالک اسلامی است» (صحیفه امام خمینی، جلد ۱: ۳۳٦).

۴. رهبری و تعارضات نقشی ایران و ترکیه در خاورمیانه

همانگونه که نظریه پردازان نقش گفته اند هر سیستم اجتماعی مجموعه ای از اجزاء و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

موقعیت‌هایی است که با یکدیگر دارای تمایز و البته خاصیت هم تکمیلی برای پیشبرد سیستم هستند (سام دلیری، ۱۳۹۰: ۱۵۵). اکنون باید دید که آیا در سیستم خاورمیانه نقش‌هایی که رهبران ترکیه و ایران برای خود قائل هستند خاصیت هم تکمیلی، یا تعارضی را دارد. روابط دو طرفه ایران و ترکیه زمینه‌های تنش آمیز چندانی ندارد. پیش از قیام‌های منطقه روابط طرفین به بالاترین سطح پس از انقلاب رسیده بود. احمدی نژاد در سال ۲۰۰۸ مورد استقبال بسیار گرم اردوغان قرار گرفت وی به احمدی نژاد را «برادر عزیز من» خطاب می کرد. پس از انتخابات ۲۰۰۹ ایران، اردوغان و گل بلافاصله پیام های تبریک برای ایران فرستادند. اما پس از نا آرامی های اخیر در کشورهای خاورمیانه، دو کشور ایران و ترکیه تلاش کردند تا در این وقایع تاثیر گذار باشند و مدل‌های مطلوب و نزدیک به خود را در کشورهای دستخوش دگرگونی ایجاد کنند و به نوعی نقش رهبری در این تحولات را بر عهده بگیرند و از این نقطه بود که تنش ها بسیار جدی شد و این مسئله نشان می دهد نوع رویکردی که به وقایع کشورهای خاورمیانه اتفاق می افتد باعث تنش در روابط طرفین می شود (Akbarzadeh and Barry, 2016: 3). یکی از نقش های راهبردی بلند مدتی که موجب رقابت بین دو کشور است رهبری منطقه می باشد.

در مورد رهبری جهان اسلام هنوز بر مبنای فرهنگ «خلیفه» یا «امام» این اعتقاد در دنیای اسلام وجود دارد که بالاخره باید کشوری و شخصی نقش رهبری مسلمین جهان باشد. بر سر این مقام طی دهه‌ها بین کشورهایی همچون مصر، عربستان، ترکیه، عراق، ایران، سوریه و لیبی اختلاف بوده است. واقعیت این است ترکیه خود را رهبر جهان اسلام می داند و فعالیت آن تا جایی در کشورهای اسلامی گسترده شده است که برخی اردوغان را «ناصر جدید» می‌نامند (atimes, 2017). هر چند که ترکیه برای پرهیز از برانگیختن واکنش دیگران این مسئله را کمتر اعلام کرده است و بیشتر اعمال کرده است. مثلا پس از اعلام بیت المقدس به عنوان پایتخت و انتقال سفارت آمریکا به آن، ترکیه رهبری اعتراضات مسلمین را به عهده گرفت و کشورهای اسلامی را برای اعتراض به این اقدام در چارچوب سازمان همکاری اسلامی به ترکیه فراخواند و نماینده مجلس ترکیه، آتالی، در این زمینه بیان کرد که «جهان اسلام تحت رهبری ترکیه متحد خواهند شد» (Anadolu Agency, 2017).

از طرف مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز خود را رهبر مسلمین جهان و نیز ام القری و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

مرکز جهان اسلام و ضامن سعادت و حتی بقای کل اسلام می داند. امام خمینی(ره) در این رابطه می‌فرمایند: «امروز بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان وخدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست و تحقیر همه مومنان می‌انجامد (صحیفه امام خمینی، جلد ۱۰: ۳۳۱)». به عبارت دیگر پیروزی و شکست ایران پیروزی شکست اسلام است. از طرف دیگر اردوغان در سخنرانی پیروزی خود در ژوئن ۲۰۱۲ گفت: «سارایوو، باکو، نیکوزیا پیروز شدند. بیروت به اندازه ازمیر پیروز شد. نواز غزه، کرانه باختری، رام الله، بیت المقدس به همان اندازه دیاربکر پیروز شد. خاورمیانه، قفقاز و بالکان درست به همان اندازه ترکیه پیروز شده اند» (DAL, 2012: 245). مشاهده می شود که دقیقا رهبران ایران و ترکیه نقش خود را به عنوان کشور مرکزی جهان اسلام تلقی می کنند. و این مسئله منجر به تقابل و یا دست کم رقابت شده است. اگر از استعاره نظریه پردازان نقش در تشبیه سیاست به تئاتر استفاده می کنیم باید بگوییم که اگر یک یک بازیگر نقش «رهبر» داشته باشد دیگران باید «پیرو» باشند. به عبارت دیگر نقش پیرو- پیرو و یا رهبر- پیرو با یکدیگر تعارض ندارد اما نقش رهبر- رهبر تعارض دارد. نقش‌های ترکیه و ایران نیز از آنجا که درصدد ایفای نقش رهبری در مکان واحدی هستند با یکدیگر تعارض پیدا کرده است.

هر دو کشور نیز در زمینه ایفای نقش رهبری به موفقیت‌هایی نائل شده اند. به عنوان مثال رئیس جمهور مالی در دیدار با اردودغان در مارس ۲۰۱۸ بیان کرد «جهان اسلام نیاز به رهبری داشت که صدای کشورهای اسلامی را به گوش جهانیان برساند. اکنون این صدا شنیده می‌شود. ما نیز در کنار اردوغان هستیم و هماهنگ با ترکیه حرکت خواهیم کرد (آناتولی، ۲۰۱۸). و یا محمدخان، رئیس بنیاد جماعت اسلامی در یکی از ایالت‌های هند بیان کرده بود که» ترکیه رهبر جهان اسلام است و باید رشد کند و تقویت شود تا بتوان به نقش خود در رهبری جهان اسلام ادامه دهد. اردوغان، رئیس جمهور ترکیه نه تنها رهبر مردم کشورش بلکه رهبر امت اسلام است» (آناتولی، ۲۰۱۷). از طرف دیگر بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های برجسته جهان اسلام اعتقاد به رهبری ایران بر جهان اسلام دارند. مثلا بنایی رهبر حزب الله افغانستان بیان کرده است که «امام(ره) تنها رهبر جمهوری اسلامی ایران نبوده بلکه ایشان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

رهبر جهان اسلام بودند. با قیام این رهبر بزرگ پس از هزار و چند صد سال نماد اسلام محمدی در جهان برجسته گردید.» (صدای افغان، ۱۳۹۵). و یا جعفری دبیر کل حزب رفاه افغانستان بیان کرده بود که «ما تکیه ای جز ایران نداریم و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نه تنها رهبر ایران بلکه ولی امر مسلمین جهان و رهبر جهان اسلام هستند و بدیلی برای ایشان وجود ندارد.» (ایسنا، ۱۳۹۵). این قبیل سخنان از بسیاری از شخصیت‌های برجسته کشورهایی همچون یمن، لبنان، الجزایر و دیگر کشورها وجود دارد. البته به موازات این موفقیت‌ها، تلاش برای ایفای نقش رهبری موانعی نیز برای ایران و ترکیه دارد چرا که اصولا همسایگان به کشورهایی که درصدد ایفای نقش رهبری هستند به اصلاح دچار «سندرم برادر بزرگتر» هستند با سوء ظن همسایگان مواجه می‌شوند. در ادامه برای بررسی مصداقی تقابل نقش‌های ایران و ترکیه مسئله حماس (در زمینه رهبری جهان اسلام) و بیداری اسلامی (در زمینه الگو بودن) بررسی می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۵. دفاع از اسلام و مسئله حماس

ایران توانسته است در سال‌های اخیر حماس را به سمت ایدئولوژی «مقاومت» بکشاند. نقش ایران «دفاع از اسلام» می باشد و لذا به طور طبیعی باید از انتفاضه و گروه‌هایی که در مبارزه مستقیم با اسرائیل قرار دارند حمایت کند. رهبر انقلاب در دیدار با خالد مشعل بیان کرده بودند که «جمهوری اسلامی ایران، مسئله فلسطین را مسئله خود، و حمایت از آن را وظیفه شرعی و اسلامی می داند... ما در این قضیه ایستاده ایم و کوتاه نخواهیم آمد.» (۱۳۸۸/۹/۲٤). پس مشاهده می شود که رهبران جمهوی اسلامی ایران در ذیل دفاع کلی از مسلمانان دفاع از فلسطین وظیفه اصلی و تغییر ناپذیر جمهوری اسلامی ایران می داند.

ترکیه نیز ضمن داشتن روابط علنی با اسرائیل روابط نزدیکی با حماس یعنی دشمن متعهد به نابودی اسرائیل نیز در سال های اخیر برقرار کرده است. به ویژه پس از حمله اسرائیل به نواز غزه در سال ۲۰۰۹، بحران «یک دقیقه»[۱]، و حمله اسرائیل به کشتی مرمره توجه ترکیه به شدت معطوف به نواز غزه و گروه حماس شد. ترکیه خود را حامی منطقه می داند و یکی از کشورهایی که در افکار عمومی جهان اسلام و عرب همواره مورد ظلم واقع شده است

۱. منظور درخواست اردوغان برای یک دقیقه صحبت در مقابل شیمون پرز در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۰۹ می باشد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

فلسطین می باشد و مدافع منطقه طبعا باید از این موجودیت دفاع کند. همچنین ترکیه به عنوان کشوری که الگو می باشد می تواند از طریق دفاع از فلسطین در بین مسلمانان محبوبیت کسب کند. در ضمن موضع ضد اسرائیلی می تواند برای ترکیه مزیتی تلقی شود که این کشور را کمتر وابسته به جهان غرب قلمداد کند. حماس به دلیل داشتن اهمیت نمادین یکی از مهترین محورهایی است که ترکیه می تواند با ایران برای نفوذ منطقه ای به رقابت بپردازد. با وجود اینکه در حال حاضر برخلاف دهه‌های گذشته تقریبا همه کشورهای خاورمیانه موجودیت رژیم صهیونیستی را به صورت دوفاکتو پذیرفته اند اما هنوز نیز در اختیار داشتن گفتمان حمایت از فلسطین و مقابله با ظلم یهودیان یکی از پایه هایی است که یک رهبر جهان اسلام باید از آن خوردار باشد. (Lindenstrauss, 2014: 10- 13).

لذا نقش «حامی فلسطین» بودن ایران از جانب ترکیه در سال های اخیر مورد تهاجم قرار گرفته است و ترکیه قصد دارد با کنترل بر حماس این نقش را منحصر در خود کند. و این مسئله باعث رقابت بین ایران و ترکیه شده است. ترکیه توانست در برهه ای کاملا حساس حماس را به طرف خود بکشاند و آن را در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. به نظر می رسد که ترکیه تا حدودی نیز در این زمینه موفق بوده است. یکی از نشانه‌های آن نیز اساس نامه جدید حماس می باشد. در این اساس نامه حماس اعلام کرد که این گروه یک نیروی انقلابی مداخله گر نیست. همچنین حماس ضمن نپذیرفتن موجودیت اسرائیل تشکیل دولت در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ را پذیرفت .(theguardian, 2017) هم چنین خالد مشعل در جمع اعضای حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۲ در ترکیه خطاب به اردوغان بیان کرد «تو نه تنها رهبر ترکیه بلکه رهبر جهان اسلامی. حزب عدالت و توسعه مدل موفقی است که مردم ترکیه باید به آن افتخار کنند... ترکیه به ترکیب موفقی از اسلام و مدرنیته دست یافته است و به جهان نشان داده است که روی گشاده اسلام به ارزش‌های معاصر باز است... انسانیت کارهایی را که شما برای فلسطینان انجام داده اید، موضعتان درباره میانمار، کمک‌های‌تان به سومالی و حمایتتان از مردم فلسطین را فراموش نخواهیم کرد». (worldbulletin, 2012). همچنین حماس از موضع ترکیه نسبت به قیام مردمی سوریه دفاع کرد و اسماعیل هنیه در نماز جمعه ای در مصر معارضین سوری را افرادی به دنبال آزادی و دمکراسی نامید و یکی از اعضای ارشد حماس نیز بیان کرد که این گروه مواضع مستقل خود را خواهد گرفت و آلت دست

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

ایران نخواهد شد. همچنین حماس دفتر مرکزی خود را در دمشق تعطیل و به قطر انتقال داد و از حزب الله خواست نیروهای خود را از سوریه خارج کند. البته سال های بعد مواضع حماس دوباره تغییر کرد. در مجموع ترکیه در قضیه فلسطین قصد همکاری و همسویی با ایران را ندارد بلکه می خواهد جایگزین ایران در زمینه رهبری حمایت از فلسطین را به دست بگیرد و به نوعی رهبر «محور مقاومت سنی» شود.(Unver Noi, 2013: 105) به هر صورت اختلافات ترکیه و ایران بر سر حماس و فلسطین مصداقی از نقش مدافع جهان اسلام است که که هر دو درصدد آن هستند که این نقش را در انحصار خود داشته باشند.

۶. نقش الگو و رقابت ایران و ترکیه در بیداری اسلامی

در دوره گذار بیداری اسلامی ایران و ترکیه، که هر دو مدعی داشتن یک نمونه و مدل خوب حکومت داری دمکراتیک اسلامی بودند تلاش کردند تا مدل‌های خود را در حکومت تازه تاسیس رواج دهد. لذا طبیعتا این مسئله منجر به تنش بین دو طرف نیز شده است. می توان رقابت بین ایران و ترکیه را در موضوع بیداری اسلامی «برخورد مدل ها»[1] نامید (Unver Noi, 2013: 92). ترکیه از ابتدای شروع تحولات به دنبال تکثیر سیستم سیاسی خود در حکومت‌های جدید بود. اردوغان در سفری تبلیغاتی به مصر، لیبی و تونس در راستای ارائه تصویر زیبایی از ترکیب اسلام و پیشرفت و دموکراسی سخنرانی‌های متعددی را بیان کرد و راشد الغنوشی ابراز امیدواری کرد که حزب او (النهضه) و کشور تونس بتوانند مسیر ترکیه در پیش گیرند. داود اغلو هم بیان کرد که وقایع تونس می–تواند مدلی برای دیگر کشورهایی باشد که به دنبال آزادی و دمکراسی هستند. هم چنین ترکیه یک وام یک میلیارد دلاری با بهره پایین و بازپرداخت ده ساله به تونس داد (Khalifa, 2017: 104).

بیش‌ترین زمینه صدور مدل ترکیه در مصر تحقق یافت. جایی که اخوان المسلمین قدرت را به دست گرفت. اخوان المسلمین تنها یک جنبش بود که دهه‌ها آرزوی دولت داری داشت اما تجربه ای در این زمینه نداشت. لذا ترکیه می تواست با عرضه خود به عنوان یک نمونه عینی مثالی برای تشکیل یک دولت در مصر باشد. گرایشات رهبران حزب عدالت و توسعه و اخوان المسلمین بسیار شبیه به یکدیگر است (صبوحی و حاجی مینه، ۱۳۹۱: ۱۱۰– ۱۰۸) .

1. Clash of models

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب مصر به ترتیب عبدالله گل، داوداغلو و سپس اردوغان به مصر سفر کردند اردوغان در خلال سفر خود به مصر در سپتامبر ۲۰۱۱ در مصاحبه با یک برنامه تلوزیونی مصری گفت که «از سکولاریسم نهراسید. من امید دارم که در مصر یک دولت سکولار به پا شود... سکولاریسم به معنای این نیست که فرد سکولار است. برای مثال من سکولار نیستم اما نخست وزیر یک دولت سکولار هستم.» (Yilmaz,2012: 365). اردوغان در تونس نیز بیان کرده بود «سکولاریسم ترکیه در معنای انگلوساکسن یا غربی آن نیست؛ فرد، سکولار نیست، دولت سکولار است ... یک مسلمان می تواند بر یک دولت سکولار با موفقیت حکمرانی کند. در ترکیه ۹۹ درصد مردم مسلمان هستند و این مسئله هیچ گونه تهدیدی نبوده است. شما نیز می توانید شبیه آن را در اینجا داشته باشید». (Dal and Ersen, 2014: 271).عبدالله گل رئیس جمهور سابق ترکیه نیز بیان کرده بود که ترکیه «منبع الهام» برای خاورمیانه است. اردوغان در سخنرانی در پارلمان ترکیه گفته بود که «این اعتراضات در جهان عرب الهام گرفته از دموکراسی پیش رفته ترکیه می باشد». هم چنین وی در جلسه نشست توسعه پایدار ریو گفته بود که «یک تجربه مثبت نه تنها می تواند مدلی برای کشورهای منطقه باشد بلکه می تواند الگویی برای کل کشورهای جهان تلقی شود».. (Dal and Ersen, 2014: 269) . اردوغان در جمع اعضای حزب خود نیز بیان کرده بود که راه حزب عدالت و توسعه یک مدل بسیار خوب برای کشورهای منطقه است و «الگوی ترکیه بسیار فراتر از مرزهای ما رفته است و تبدیل به نمونه ای برای همه کشورهای مسلمان شده است» .(reuters, 2012)

ترکیه از سال‌های قبل از شروع تحولات منطقه تبدیل به منبع الهامی برای جهان عرب شده بود. به عنوان مثال مطابق یک نظر سنجی که به وسیله یک اتاق فکر ترکی که در سال ۲۰۱۰ انجام شده بود ۸۰ درصد شهروندان عرب گرایشات مثبتی را نسبت به ترکیه اعلام کرده اند. همچنین ٦٦ درصد پاسخ دهندگان عرب برآورد کرده بودند که ترکیه می تواند یک مدل خوبی از پیوند اسلام و دمکراسی باشد. (Balcer, 2012: 371). بهار عربی فرصتی را برای ترکیه مهیا کرد تا بتواند خودش را به عنوان یک کشور مسلمانی که به تازگی به دموکراسی و توسعه اقتصادی دست یافته است معرفی کند و از این طریق نفوذ خود را در سراسر منطقه اعمال کند. ترکیه فکر می کرد با برافتادن هرکدام از کشورهای درگیر در بیداری اسلامی حتماً «مدل ترکی» جایگزین آن ها خواهد شد. سیاست تنش صفر با همسایگان ایجاب می کرد که

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

ترکیه اعتراضات در کشورهای خاورمیانه را یکسری مسائل داخلی بداند در آن ها مداخله نکند اما اعتماد به نفس و اطمینان از اینکه آینده کشورهای انقلابی همسو و مشابه با ترکیه خواهد شد ترکیه را تبدیل به یکی از حامیان مهم سرگونی رژیم های محافظه کار منطقه کرد (Taspinar, 2011: 9). البته این تلاش ترکیه همراه با اقبال نخبگان منطقه هم بود. حسین طنطاوی رئیس شورای عالی نیروهای مسلح مصر گفته بود که مدل ترکیه زمینه های الهام بخشی برای مردم مصر بوده است و یا محمد عاکف، هفتمین مرشد عام اخوان المسلمی، در پیام تبریک خود به انتخاب مجدد اردوغان بیان کرده بود که این انتخاب دوباره «شاهدی است بر توانایی احزاب اسلامی برای دست یابی به توسعه قانونی، سیاسی و اقتصادی و نیز اصلاحات اجتماعی» (Khalifa, 2017: 107).

البته باید توجه کرد که محدودیت‌هایی نیز برای صدور الگوی ترکیه به کشورهای دیگر وجود دارد. به عنوان مثال کشورهای اطراف ترکیه بسیار سنتی تر و محافظه کارتر از ترکیه هستند. مثلا بنا بر نظر سنجی‌ای در مصر ۸۵ درصد از مردم حکم اعدام برای ارتداد و سنگسار بری زنا را قبول داشتند. هم چنین ٦٥ درصد از مردم مصر بر آن بوده اند که که شریعت باید تنها منبع قانونگذاری باشد حال آنکه این رقم در ترکیه کمتر از ۱۰ درصد است. یکی از مشکلات جدی که فراروی مدل ترکی (و الگوی اسلامی- ایرانی) برای گسترش در منطقه وجود دارد این است که هیچ یک از آن‌ها عرب نیستد. این عرب نبودن وقتی مشکل بزرگ تری می شود که گرایشات منفی نگرانه شدید و تحقیر آمیزی در جوامع عرب نسیت به ایرانی ها و ترک ها وجود دارد. همانگونه که بالسر می نویسد به نظر می رسد تنها کشوری که واقعا می تواند برای کشورهای عربی خاورمیانه تبدیل به یک مدل واقعی شود مصر می باشد نه ایران و ترکیه (Balcer, 2012: 371). سوابق تاریخی استعماری عثمانی، ضعیف شدن دمکراسی ترکیه پس از وقایع پارک گزی و کودتای ژوئیه ۲۰۱٦، از دیگر موانع صدور الگوی ترکیه به منطقه است. در نظر سنجی موسسه گلوپ مشخص شد که فقط ۱۱ درصد از مردم مصر، ترکیه را به عناون یک الگو برای آینده کشورشان می پسندند. و بسیاری از هرگونه الگوی خارجی بیزار هستند و این مسسئله نشان می دهد که علی رغم تلاش ترکیه برای صادر کردن مدل و الگوی خود اصولا کشورهای منطقه با الگوهای غیر بومی و خارجی میانه خوبی ندارند درصدد آن هستند تا مسیر خود را بروند و تلاش برای تحمیل الگوهای خارجی به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

کشورهای دیگر ثمری نخواهد داشت (Unver Noi, 2013: 105)

در مقابل جمهوری اسلامی بر آن است این موج جدید اعتراضات با هدف اسلام خواهی می باشد. بیداری اسلامی از این منظر در مقابل «خواب اسلامی» قرار می گیرد. از این منظر تلاش های زیادی برای بیدار کردن امت اسلام در تاریخ ۱۵۰ سال اخیر رخ داده است و مهم ترین آن نیز انقلاب ایران است. این اوج بیداری اسلامی، اسلام را سیاسی و تبدیل به ایدئولوژی مقاومت کرد. از این منظر انقلاب ایران الگویی برای کل منطقه است و ملت‌های به پا خواسته هدفشان این است تا دولتی اسلامی شبیه ایران و با همان اهداف ایجاد کنند. اهداف این بیداری اسلامی نیز به گونه ای تفسیر می شد که در راستای اهداف انقلاب اسلامی ایران ترسیم شود. اولین هدف استقلال و رهایی از سلطه غرب تفسیر می شود چرا که نظام های تونس و مصر و لیبی و مانند آن نظام‌هایی وابسته به غرب بوده اند و هدف اولیه مردم رهایی از این غرب محوری بوده است. در این خصوص رهبر انقلاب معتقد هستند که در قیام‌های منطقه «همان اتفاقی است که در انقلاب افتاد». همچنین رهبر انقلاب در جای دیگری اهداف انقلاب را چنین برمی شمارند «برافراشتن پرچم اسلام»، «ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا و اروپا»، «مبارزه با رژیم صهیونیستی» (سراج و همکاران، ۱۳۹۲: ٦٥– ٦٣). البته باید توجه کرد اسلامی که ایران مروج آن است نقطه مقابل اسلام ترکیه است. فضیلت اسلام ترکیه در سیاسی نبودن و فضیلت اسلام ایران در سیاسی بودن آن است. همچنین مراد ایران از اسلام گرایی در سیاست خارجی در وهله اول مبارزه با غرب و آمریکا است و اسلام ترکیه را که همزمان با شعارهای اسلامی عضو ناتو و مبلغ سکولاریسم نیز می باشد «اسلام آمریکایی» می‌نامد. (Unver Noi, 2013: 92).

در واقع ایران قیام های منطقه را در حلقه‌ای از حلقه های «انقلاب های اسلامی» تفسیر می کند. رهبر انقلاب در این رابطه می گویند «کانون این حرکت، جمهوری اسلامی بود و ایستادگی ملت ایران است که توانسته است این روحیه را در منطقه بگستراند که می‌شود در مقابل هیمنه‌ی استکبار ایستاد... نظام اسلامی ایران الهام‌بخش بوده است و این الهام بخشی وجود دارد. ملت‌ها بیدار شده‌اند و راه خود را پیدا کرده‌اند» (۱۳۹۰/۰۹/۰٦). تاکید بر مشخصه‌ی اسلامی و شباهت داشتن آن ها به انقلاب اسلامی یکی از محورهای مهم جهت گیری ایران در رابطه با قیام‌های منطقه بوده است. دراین تلقی بیداری یا انقلاب اسلامی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

تونس، مصر، لیبی و بحرین و شعارها و باورهای اسلامی و استکبار ستیزی این انقلاب ها نسخه برداری شده و مشابه انقلاب ایران است (Jaspal, 2014: 439). لذا بر مبنای تفسیر مذکور جمهوری اسلامی ایران کاملا حامی بیداری اسلامی بود. مقام معظم رهبری در این خصوص بیان کرده‌اند «موضع ما در مقابل این حرکت‌های مردمی روشن است: هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکائی است، ما با این حرکت همراهیم؛» البته تلاش ایران برای برانگیختن انگیزه های اسلامی مردم منطقه به سال ها پیش برمی گرددد چنانکه امام خمینی سال های پیش بیان کرده بود که «آن طور که ایران قیام کرد و زمین را پاک کرد، همه ملت‌ها باید قیام کنند و این فساد را به زباله بیاندازند» (Ghaderi, 2018: 77).

تاثیر گذاری انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی مورد تایید بسیاری از نخبگان کشورهای منطقه می باشد. شیخ زغموت رئیس شورای اسلامی فلسطین در لبنان گفت «معتقدم که روح و صبغه اسلامی در انقلاب‌های اخیر به چشم می‌خورد که برگرفته از الگوی جمهوری اسلامی ایران است». «شیخ جمال الدین شبیب» از اعضای برجسته شورای علمای لبنان نیز می‌گوید : «انقلاب اسلامی با وجود تمامی فعالیت های دشمنان، توانست الگوی خوبی در این زمینه ارائه کند. به واقع قیام های فعلی جهان عرب همگی از انقلاب اسلامی ایران سرچشمه گرفته اند این مسئله شاید در شعارها نباشد، اما در قدرت تاثیرگذاری بر ملت ها کاملا قابل مشاهده است.»(اسلام تایمز، ۹ فروردین ۱۳۹۱). اما ایران نیز همانند ترکیه محدودیت هایی در صدور الگوی خود به کشورهای اسلامی دارد.

البته برای ایران نیز به منظور ایفای نقش مدل همانند ترکیه موانعی وجود دارد. تجلی یکی از موانع در مورد مصر قابل مشاهده است. رهبر انقلاب علاقه و توجه ویژه ای به مصر دارد و در موارد گوناگونی آن را مهم ترین و نیز رهبر کشورهای عرب نامیده است. ایشان در خطبه های نماز جمعه در سال ۱۳۸۹ به زبان عربی در رابطه با قیام مصر می گویند که اعتراضات امروز مصر الگو برداری شده از انقلاب ایران است «ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده می‌کنید...امروز در کشور مصر دارد انعکاس صدای شما شنیده می‌شود. نفس در سینه‌ی دنیای غرب و نیز دنیای اسلام» هر یک به دلیلی- حبس شده است که ببینند مصر بزرگ؛ مصر نوابغ قرن اخیر؛ مصر محمد عبده و سیدجمال؛ مصر سعد زغلول و احمد شوقی؛ مصر جمال عبدالناصر و الشیخ حسن البنا؛ مصر ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، اکنون

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

چه خواهد کرد؟ ... مصر با این عمق فرهنگی و دینی و سیاسی، به حق، در جایگاه رهبری دنیای عرب قرار گرفت... قیام ملت مسلمان مصر، یک حرکت اسلامی و آزادی‌خواهانه است. من بنام ملت و دولت انقلابی ایران به شما ملت مصر و ملت تونس درود می‌فرستم و پیروزی کامل شما را از خداوند عزیز مسألت می‌کنم. من به شما و قیامتان افتخار می‌کنم. «لذا جمهوری اسلامی ایران کاملا از فروپاشی رژیم مبارک و نیز روی کارآمدن اسلام گرایان دفاع کرد و رئیس جمهور وقت ایران نیز سفر پر سر و صدایی به مصر کرد. اما در همین سفر معلوم شد که مصر چندان اقبالی نسبت به الگو و نقش ایران ندراد. احمدی نژاد در روز اول درصدد ملاقات با شیخ الازهر بود که وی نیامد و مشاور خود را فرستاد تا بیانیه وی را قرائت کند. شیخ الازهر از تلاش های ایران برای گسترش تشیع در کشورهای سنی انتقاد کرد. همچنین بیان کرد که ایران در امور داخلی کشورهای جنوب خلیج فارس دخالت نکند و به بحرین به عنوان یک کشور برادر و عربی احترام بگذارد و نباید به صحابه و همسر و کتب مهم سنی‌ها توهین کند. همچنین پس از خروج احمدی نژاد از مسجد امام حسین فردی با کفش وی را مورد حمله قرار داد (عصر ایران، ۱۳۹۱). بها انور سخنگوی شیعیان مصر نیز بیان کرد که «شیعیان مصر به دنبال تشکیل دولت شیعی نیستند و سرکوب اقلیت سنی را در ایران محکوم می کنند». همچنین مرسی در سفر چند ساعتی خود به تهران در شانزدهمین نشست سران عدم تعهد بیان همبستگی با سوریه و «ضدیت با رژیم سرکوب گری که مشروعیتش را از دست داده است یک وظیفه اخلاقی و ضرورت استراتژیک دانست» (Unver Noi, 2013: 102). در واقع مشخص شد که که الگوی ایران نه تنها بین نخبگان، دولت و مردم مصر بلکه حجتی بین اقلیت شیعه مصر نیز اقبالی ندارد.

اما اوج تعارضات نقش ایران و ترکیه در سوریه به وجود آمد. ترکیه با اوج گیری شورش‌ها در ترکیه تلاش چند ساله خود را در زمینه تنش زدایی با سوریه فراموش و تبدیل به مهم ترین طرفدار براندازی دولت سوریه شد. هر چند که دولت بشار اسد یک دولت سکولار است و از این حیث بیشتر شبیه الگوی ترکیه است تا جمهوری اسلامی ایران اما در مجموع در زیر مجموعه ایدئولوژی ایران یعنی «مقاومت» قرار دارد. لذا ترکیه دست به هرکاری برای سرنگونی بشار اسد زد و تبدیل به مستحکم ترین پایگاه تروریست ها شد به گونه ای که از اواسط سال ۲۰۱٤ به بعد ترکیه «بزرگراه جهادگرایان» شده بود (Akbarzadeh and Barry, 2016: 6). هدف

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

ترکیه نیز این بود تا با استفاده از هر ابزاری دولت حاکم را براندازد و به جای آن یک رژیم سنی مذهب با گرایشات اخوانی جایگزین آن کند (نیاکویی و احمد خوی، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۸). طبعا جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود اینکه در ابتدا رویکرد محتاطانه ای نسبت به بحران سوریه اتخاذ کرد اما با گسترده تر شدن تلاش های ترکیه برای برانداختن دولت اسد مجبور شد تا به حمایت عملیاتی از دولت قانونی سوریه بپرازد. در ابتدای بحران سوریه تلاش ترکیه بر این مبنا بود تا بحران این کشور را در امتداد بهار عربی دسته بندی کند تا بتواند دولتی همرنگ و مشابه خود در سوریه روی کار آورد. حال آنکه تلقی ایران این بود که اصولا اهداف بیداری اسلامی آمریکا ستیزی، مبارزه با رژیم صهیونیستی، نفی رژیم-های وابسته به آمریکا و اسلام خواهی است و از آنجا که پیش از این همه ویژگی های مذکور در دولت سوریه جمع است دلیلی برای اعتراض و قیام وجود ندارد. و لذا شبیه سازی بحران سوریه به وقایع رخ داده در بیداری اسلامی درست نیست.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

نتیجه‌گیری

بنا بر نظریه نقش، نقش هر کشوری عبارت است از اهداف و جهت گیری‌هایی که رهبران تصمیم گیرنده بر اساس مولفه‌های عینی و ذهنی برای کشورشان مطلوب می دانند. از این رو در این مقاله با ارجاع مکرر به بیانات رهبران ایران و ترکیه برای دریافتن نقش مناسب کشورشان در منطقه خاورمیانه، به ویژه با تاکید بر سه نقش «رهبری»، «الگو» و «مدافع اسلام» نشان داده شد تلقی و مفصل بندی تصمیم گیرندگان دو کشور در ایفای این سه نقش به گونه ای است که نه تنها باعث به وجود آمدن یک وضعیت سازگار با قابلیت هم تکمیلی بین دو کشور را به وجود نمی آورد بلکه باعث رقابت و گاهی تعارض نیز می‌شود. نقش رهبری جزء منابع کمیابی است که برای ایفای آن در خاورمیانه دهه ها بین کشورهای مختلف رقابت بوده است و اکنون نیز از بین چهار کشور کاندید ایفای این نقش در منطقه یعنی ایران، ترکیه، عربستان و مصر، دو کشور اول گزینه‌های محتمل تری هستند. بیانات صریح و تحرکات دیپلماتیک دو کشور و حضور در همه بحران‌های منطقه نشان از گرایش شدید دو کشور برای ایفای نقش رهبری در منطقه است. از سوی دیگر برای ایفای نقش الگو یا مدل، همراه شدن پیشرفت‌های اقتصادی و دمکراسی قابل قبول ایران و ترکیه با اراده دو دولت برای الگوسازی منجر به رقابت شدید دو طرف برای ترویج گفتمان‌های خود در دیگر کشورهای منطقه شده که این رقابت در دوره گذار بیداری اسلامی شدیدتر شده و در مواردی تبدیل به تقابل دو طرف گشته است. در نهایت نیز نقش دفاع از اسلام نیز باعث رقابت و تقابل شده است چرا که مثلا در مورد حماس (به عنوان مهم ترین گروه سازش ناپذیر با رژیم صهیونیستی) تلاش ترکیه در رقابت با ایران در این راستا بوده است که مزیت نسبی ایران را، یعنی تنها مدافع جدی فلسطین در شرایطی که بسیاری از کشورها فلسطین را تنها گذاشته اند و با اسرائیل سازش کرده اند، از دست آن خارج کند و به عبارتی انحصار نقش ایران در دفاع از فلسطین را با خدشه مواجه کند. هم چنین به دلیل تعریف متفاوت دوست و دشمن اسلام این مسئله در مواردی همچون سوریه به تقابل انجامیده است. البته این مسئله به معنای نفی مولفه‌های دیگر در رقابت دو طرف نیست بلکه به این معنا است نفسیر رهبران ایران و ترکیه از منافع اقتصادی، ژئوپلیتیکی، هویتی و غیره و به گونه ای بوده است که در نهایت تبدیل به نقش‌های تعارض آمیز شده است که نمود آن در وقایع چند سال اخیر همچون بیداری اسلامی قابل مشاهده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

کتابنامه

اسدی، علی اکبر(۱۳۹۱)، بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه ای. *فصلنامه مطالعات راهبردی* جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

اسماعیلی، بشیر، زارع زاده، محمد و فلاح، محمد(۱۳۹۵)، افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، شماره بیست و هفتم، پاییز.

برزگر، کیهان(۱۳۸۷)، ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل. *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز.

بیانات رهبری (۱۳٦۸/۰۷/۱۹) «هـ :بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و مسئولان و جمعی از شیعیان استان سرحدّ پاکستان»، آنلاین در: http://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=2201&nt=2&year=1368&tid=14195

بیانات رهبری (۱۳۸۸/۰۹/۲٤) «حمایت ملت ایران از موضوع فلسطین به برکت امام خمینی(ره) است»، آنلاین در: http://www.leader.ir/fa/content/6218

بیانات رهبری (۱۳۹۰/۱۱/۱٤) «متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی»، http://www.leader.ir/fa/speech/9093

ابراهیمی فر، طاهره و یعقوبی فر حامد (۱۳۹۵) «تأثیر انقلاب های عربی بر سیاستگذاری خارجی ترکیه (بر مبنای نظریه نقش)»، *پژوهش های روابط بین الملل*، دوره شش، شماره ۱۹ (مقاله سرقتی مذکور که جزء منابع مورد استفاده نبوده است)

بهرامی، سیامک(۱۳۹۵)، انحراف از نو عثمانی گرایی و کودتا در ترکیه. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز.

اسلام تایمز(۱۳۹۱)، نقش و جایگاه پیام های انقلاب اسلامی در بیداری خاورمیانه. بخش آسیا و شمال آفریقا. کد مطلب: ۱٤۸٦۸٤ برگفته از : www. Islam times. Ir

ازغندی، علیرضا (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران قومس

آناتولی (۲۰۱۸) «اکنون جهان اسلام دارای رهبری است که صدایش را به گوش جهان می‌رساند»، آنلاین در: https://aa.com.tr/fa /1078559?amp=1

ازغندی، علیرضا، (۱۳۹۱) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چارچوب ها و جهت گیری ها*، تهران، قومس

ایسنا (۱۳۹۵) «آیت الله خامنه ای رهبر تمام مسلمانان جهان هستند»، آنلاین در : https://www.isna.ir/news/95012410168

آناتتولی (۲۰۱۷) «ترکیه رهبر جهان اسلام است»، آنلاین در: https://aa.com.tr/fa/906542?amp=1

سام دلیری، کاظم (۱۳۹۰) «عوامل تاثیر گذار بر نقش اجتماعی، تاثیر جامعه بر فرد در نظریه نقش»،

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

دوره سه، شماره یک
خبرگذاری انتخاب(۱۳۹٤)، نقش ایران در منطقه خاورمیانه. بخش سیاسی و بین الملل. برگفته از: www. Entekhab. ir
صدای افغان (۱۳۹۵) «امام(ره) تنها رهبر جمهوری اسلامی ایران نبوده بلکه ایشان رهبر جهان اسلام بودند»، آنلاین در: http://www.avapress.com/fa/report/127172
صبوحی، مهدی، حاجی مینه، رحمت(۱۳۹۱)، بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال بهار عربی؛ بررسی موردی تونس، مصر و لیبی. *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۲۰، زمستان
داوود اوغلو، احمد(۱۳۹۱)، *عمق راهبردی؛ موقعیت ترکیه در صحنه بین الملل*. ترجمه: محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
غائبی، محمد رضا(۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه. *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی‌ام، شماره ۲، تابستان.
مسعود نیا، حسین، فروغی، عاطفه و چلقمانی، مرتضی(۱۳۹۲)، ترکیه و بحران سوریه از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ٤.
کولای، الهه، حریری، رحمن و اسدی کیا، بهناز(۱۳۹۵)، مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز.
حیدری، محمد علی و رهنورد، حمید (۱۳۹۰) «نوعثمانی گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عربی)»، *رهنامه سیاست گذاری*، دوره دو شمار دو
نیاکوئی، سید امیر و احمدی خوی، امیر رضا(۱۳۹۵)، ترکیه به مثابه قدرت میانی در نظام بین الملل و جایگاه آن در روابط ایران و آمریکا. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار.
رحمانی، هما (۱۳۹۲) «نشانه های الهام بخشی در رهبری منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست*، دوره ٤٤ شماره سه
وثوقی، سعید و رضایی، مسعود(۱۳۹٤)، ملاحظات آمریکایی ترکیه در روابط با ایران. *مجله ی سیاست دفاعی*، سال بیست و چهارم، شماره ی ۹۳، زمستان.
یعقوبی فر، حامد(۱۳۹۲)، گونه شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه. *فصلنامه سیاست گذاری*، سال بیست و هفتم، شماره ٤، زمستان.
لوئیس، برنارد (۱۳۸٦) *نظری تاریخی به اسلام و دمکراسی لیبرال، در فلسفه، جاعه و سیاست*، عزت الله فولادوند، تهران ماهی

Atimes (2017) "Turkey and the Rohingyas: Erdogan as global Muslim leader" online at: http://www.atimes.com/article/turkey-rohingyas-erdogan-global-muslim-leader/
Akbarzadeh, Shahram and Barry, james(2016). Iran and Turkey: not quite enemies but less

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

than friends. "Third World Quarterly". 22 September .

Benes, Vit(August 2011). role theory a conceptual framework for the constructivist foreign policy analysis. University of Porto, Portugal.

Anadolu agency (2017) " 'Muslim world to unite under Turkey's leadership", online at: https://aa.com.tr/en/middle-east/muslim-world-to-unite-under-turkeys-leadership/1005873

Dal, Emel parlar and Ersen, Emre(2014). Reassessing the "Turkish Model" in the Post-Cold War Era: A Role Theory Perspective. "Turkish Studies". Vol. 15, No. 2, 258–282

Ertuğru, Doğan (2012), A Test for Turkey's Foreign Policy: The Syria Crisis, TESEV Foreign Policy Program.

Lindenstrauss, Gallia (2014) "Turkish-Hamas Relations: Between Strategic Calculations and Ideological Affinity", strategic assessment, Volume 17, No. 2

Balcer, Adam (2012) "Turkey as a Source of Inspiration for the Arab Spring: Opportunities and Challenge", in Change and Opportunities in the Emerging Mediterranean, Academy of Diplomatic Studies, University of Malta

Dal, Emel parlar (2012), "The Transformation of Turkey's Relations with the Middle East: Illusion or Awakening?", Turkish Studies, Volume 13, Issue 2

Jaspal, Rusi (2014) "Representing the Arab Spring in the Iranian press: Islamic awakening or foreign-sponsored terror?", Politics, Groups, and Identities,Vol. 2, No. 3

Theguardian (2017) "Hamas presents new charter accepting a Palestine based on 1967 borders", online at: https://www.theguardian.com/world/2017/may/01/hamas-new-charter-palestine-israel-1967-borders

U nver Noi Aylin (2013) "A Clash of Islamic Models", CURRENT TRENDS IN ISLAMIST IDEOLOGY / VOL. 15

Khalifa, Mahmoud (20117) " Turkish Foreign Policy in the Middle East After Arab Spring", International Relations and Diplomacy, Vol. 5, No. 2https://www.reuters.com/article/us-turkey-akp/turkish-democracy-is-example-for-muslim-world-erdogan-idUSBRE88T0AR20120930

Reuters (2012) "Turkish democracy is example for Muslim world: Erdogan", online at:

Hollis, Martin and Smith, Steve(Jul., 1986). roles and reasons in foreign policy decision making. "British Journal of Political Science, Vol. 16, No. 3, pp. 269-286

Ghaderi, Seyyed Mohammad Sadegh (2018) "Impact of Islamic Revolution in Iran and

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

Islamic Awakening In the world", International Journal of Humanities and Social Science Invention, Volume 7 Issue 01|January

Holsti, K. J(Sep., 1970). national role conceptions in the study of foreign policy. "International Studies Quarterly", Vol. 14, No. 3, pp. 233-309

Ovali, Sevket(2013). Decoding Turkey's Lust for Regional Clout in the Middle East: A Role Theory Perspective. JOURNAL OFINTERNATIONAL ANDAREASTUDIES. Volume 20,Number 1,2013,pp.1-21

Sekhri, Sofiane(2009). The role approach as a theoretical framework for the analysis of foreign policy in third world countries. "African Journal of Political Science and International Relations Vol. 3 (10), pp. 423-432, October.

Taspinar, Omar. (2012), Turkey's Strategic Vision and Syria, The Washington Quarterly, Vol. 35, No.3: 127-140.

Özgür Özdamar, B. Toygar Halistoprak and İ. Erkam Sula (2014) " From Good Neighbor to Model: Turkey's Changing Roles in the Middle East in the Aftermath of the Arab Spring", International Relations, Volume 11, No. 42

Ovalı, Şevket (2013) " Decoding Turkey's Lust for Regional Clout in the Middle East: A Role Theory Perspective",

Check confrontation between Iran and Turkey in the West Asia based on the "theory of the" 2017- 2010

Ertuğru, Doğan (2012), A Test for Turkey's Foreign Policy: The Syria Crisis, TESEV Foreign Policy Program.

Yılmaz, Bahri (2012) "Turkey and the Arab Spring: the Revolutions in Turkey's Near Abroad", in Change and Opportunities in the Emerging Mediterranean, Mediterranean Academy of Diplomatic Studies, University of Malta

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۲
نیاکویی، سید امیر؛ فاضلی، سامان؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۷)، «نظریه نقش و رقابت ایران و ترکیه در خاورمیانه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۲، تابستان ۹۷، صص ۴۸-۲۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]